

ثابت شد جرم سیاسی است، دیگر موقع صدور حکم قاضی به راحتی می‌تواند از جهات مخففه استفاده کند، نیازی به استدلال دوم ندارد. قبلاً از امر به معروف هم گفته شده بود، اینکه در مسیر امر به معروف حاکمیت خطا شده است. وقتی می‌خواسته امر به معروف و نهی از منکر بکند اینجا قصد اصلاح داشته، حالا خطا کرده، این می‌شود اثبات جرم سیاسی‌اش. هم این دلیل بر انگیزه شرافتمندانه بودنش هم هست. یعنی هم پوشانی اگر نگوئیم صددرصدی، بسیار بالایی دارد.

مصادیق در قانون احصا شده، قابل تغییر است. برخی‌شان که حتماً باید باشد. مثلاً توهین مشمول این هست. افترا مشمول این هست. نشر اکاذیب هم هست، قوانین انتخاباتی هست، جرایم موضوع قانون احزاب. اینجا حتماً بعضی نیستند هرچند استثنایش نیازی نبود که در ماده بعدی بگوید محاربه نیست. چون ماده دو، احصایی است. خودش گفته چه هست. لزومی نداشت بگوید چه چیزی نیست. اما آنجا چون در قانون قبلی، یعنی در پیش‌نویسی که تصویب شده بود شورای نگهبان رد کرد این آمده بود گفتند اگر ما این را حذف بکنیم دیگر باید برویم پاسخ دهیم که چرا حذف کردید. برای عده‌ای ممکن است شبهه به وجود بیاید و تفسیر ناروا ارائه دهند به خاطر همین ماده سه فکر کنم باقی ماند. اما قابل کم و زیاد کردن است. فردا یک نفر بگوید جرایم مطبوعاتی هم جرم سیاسی هستند. جرایم مندرج در قانون مطبوعات را من جرم سیاسی می‌دانم. قانون‌گذار می‌تواند ماده دو را اصلاح کند و جرایم مطبوعاتی را اضافه کند. یا یک نفر بگوید قانون موضوع انتخابات چه ربطی به جرم سیاسی دارد، این‌ها قابل کم و زیاد شدن هستند. شکی در برخی از آن‌ها وجود ندارد که می‌تواند از مصادیق جرم سیاسی باشد.

محبی در مورد اعتراضات مردم عادی که قصد مقابله با اصل نظام را ندارند ولی دستگیر می‌شوند گفت: شما به من بگویید آن‌کسی که هیچ جا را آتش نزده، هیچ جا را تخریب نکرده، به هیچ‌کس توهین نکرده مگر این جرم است. اینکه می‌گیرند من نمی‌توانم نکته خاصی بگویم اینجا قوه قضاییه است. اما نکته‌ای که وجود دارد آن‌کسی که فقط فحش می‌دهد، هیچ

از این آقا خرید کند، نماینده مجلس بوده ولی او اصلاً نمی‌دانسته نماینده مجلس است. یعنی شما از سابقه و شرایط و اوضاع و احوال جرم استفاده می‌کنید برای اثبات عدم وجود انگیزه خاص در این مرتکب. برعکسش هم قابل تصور است. چون جرم سیاسی فوایدی دارد. شما ممکن است ثابت کنید که این جرم سیاسی دارد. اینجا می‌گویید این فردی که این حرف را زده، ببینید سابقه‌اش چیست. جاسوس نیست. اینجا به نفع نظام سخنرانی کرده، اینجا فلان بیانیه را امضا کرده است، اینجا در راهپیمایی شرکت کرده، این آدم، آدم نظام اسلامی است. هرچند اینجا مرتکب جرم شده است. اما خارج از این سیستم که نیست. اینجا در مخالفت سیاسی‌اش با فلان آقا بوده که فلان حرف را زده است. پس این عملی که انجام داده حتماً از روی انگیزه سیاسی بوده است نه انگیزه و قصد براندازی و ضربه زدن به اصل نظام. به این ترتیب شما می‌توانید برای دادگاه استدلال کنید که این جرم سیاسی یا عمومی است.

دکتر جلیل محبی در پاسخ به سؤالی دیگر در مورد امکان پذیر بودن انگیزه شرافتمندانه در دو حالت جرم سیاسی و جرم عادی بیان داشت: تقریباً همین‌طور است. من برای دادگاه استدلال می‌کنم که این جرم سیاسی است. همین انگیزه‌های شرافتمندانه‌ای که گفتید استفاده می‌کنم ثابت می‌کنم جرم سیاسی است. وقتی

۹۹ جرم سیاسی در واقع ترغیب مردم به مشارکت سیاسی صحیح است. شاید یک نفر که به جرم سیاسی محکوم شده، قاضی دادگاه صلاح بداند به جای اینکه او را به حبس و شلاق محکوم کند، او را محکوم به یک مجازات اجتماعی مبنی بر آموزش رفتار صحیح اجتماعی، مبنی بر آموزش قوانین مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و مانند این‌ها کند. این جنبه آموزشی برای مردم هم می‌تواند داشته باشد. لذا تقویت دادگاه‌های تخصصی برای جرم سیاسی می‌تواند آموزش متصدیان امر قضا و مردم را در خصوص جرم سیاسی سهل‌تر کند. ۶۶

نوشته هرگاه این جرم به قصد مقابله با نظام باشد محارب محسوب می‌شود، این برعکس آن است. مثلاً در ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات در خصوص تخریب اماکن عمومی یا اموال عمومی، مثل تأسیسات، نوشته حبس دارد. بعد نوشته هرگاه این به قصد مقابله با نظام باشد محارب است، مفسد فی‌الارض است. این دقیقاً برعکس جرم سیاسی است. یعنی آنجا یک جرم عمومی را با یک قصدی تبدیل به جرم امنیتی کرده است، اینجا یک جرم عمومی را با یک قصد تبدیل به جرم سیاسی کرده است. اینجا مجازاتش را تخفیفاتی در نظر گرفته، آنجا مجازاتش افزایش دارد.

یکی از حضار در رابطه با شیوه دفاع از فرد در دادگاه جهت رفع اتهام جرم سیاسی پرسید که دکتر محبی این‌گونه پاسخ داد: این با سابقه فرد قابل حل است، یک نفر می‌آید در دادگاه قرار می‌گیرد که فروشنده مواد غذایی است و به او اتهام جرم سیاسی زدند. شما می‌خواهید بگویید این جرم سیاسی نیست، چون نمی‌خواهد مارک جرم سیاسی بخورد. برای رد این موضوع شما از سابقه‌اش مثال می‌آورید. می‌گویید ایشان فروشنده مواد غذایی است، سوادش هم سواد آن‌چنانی نیست، شرایط زندگی‌اش این است و اصلاً قصد سیاسی نداشته بود. در حال دعوا بودند این حرف را زدند. هرچند این آقایی که آمده بود

